

درس خارج فقه استاد حمید درایتی

جلسه چهاردهم، ۲۰ مهر ۱۴۰۰

موضوع: کتاب الشركة/ شرکت تعاونی /تحلیل فقهی

▪ اموال اعضاء به شخصیت حقوقی شرکت تعاونی که برآمده از توافق اعضاء و اعتبار قانون گذار است، قرض داده می شود فلذا بعد از انحلال شرکت، خصوص مبلغ اسمی سهم به اعضاء استرداد خواهد شد.

▪ اموال اعضاء به شخصیت حقوقی شرکت تعاونی که برآمده از توافق اعضاء و اعتبار قانون گذار است، هبة معوضه می شود که عوض آن سود سالانه و مازاد برگشتی خواهد بود.

باید توجه داشت که بنابر عدم پذیرش شخصیت حقوقی مستقل در فقه، احتمال اقتراض و هبة معوضه در شرکت های تعاونی منتفی خواهد بود زیرا هردو احتمال مستلزم تملیک اموال به هیأت مدیره یا مدیر عامل است درحالی که اولاً هیأت مدیره و مدیر عامل به صورت ادواری تغییر می نمایند و ثانیاً لازمه ی ملکیت آن ها بر اموال، به ارث رسیدن دارایی شرکت به وراثت هیأت مدیره و مدیر عامل می باشد. همچنین تصحیح شرکت تعاونی با عقد مضاربة نیز صعوبت خواهد داشت زیرا اولاً موضوع مضاربة باید تجارت (بنابر نظر مشهور) یا هرگونه فعالیت اقتصادی درآمد زا (بنابر نظر مختار) باشد و حال آنکه شرکت تعاونی اساساً با رویکرد همیاری و توزیع ثروت شکل می گیرد و سودآوری از اهداف آن نمی باشد. ثانیاً قدرمیقن از صحت مضاربة، اعطاء اموال نقد به عامل است در حالی که سهام اعضاء در شرکت تعاونی می توانست به صورت کالا تقویم و تسلیم شود. ثالثاً خسارت های ناشی از تجارت در مضاربة علی القاعده متوجه مالک خواهد بود نه عامل و اشتراط متحمل خسارت شدن عامل نیز بنابر نظر مشهور فقهاء تنها در صورتی صحیح می باشد که به صورت شرط فعل (اقدام عامل به تدارك خسارات) منظور گردد. در فرض وکالت یا اجاره نیز تصحیح عدم مسئولیت مازاد از مبلغ اسمی سهم و یا انحصار أداء دیون شرکت از خصوص اموال و دارایی آن با شرط ضمن عقد، اول کلام می باشد.

به نظر می رسد بنابر پذیرش شخصیت حقوقی مستقل در فقه، احتمالات وکالت و اجاره و هبة معوضه منتفی نباشد هرچند که بنابر این سه تحلیل فقهی، عمده ی مختصات شرکت

تعاونی باید با شرط ضمن عقد تصحیح شود [1]؛ اما احتمال اقتراض با در نظر گرفتن اختصاص سود سالانه به سهام، ناتمام خواهد بود و منجر به قرض ربوی می گردد، همچنان که فرض هبة معوضه نیز اگر حيله ربوی بشمار آید، صحت آن محل اختلاف می باشد.

به نظر ما شخصیت حقوقی مستقل، اعتبار شرعی دارد و تحلیل فقهی صحیح شرکت تعاونی نیز ملکیت طولیه می باشد (تفصیل آن در تحلیل شرکت های سهامی گذشت) که بدین تفصیل است:

- در قدم اول اجتماع و اختلاط اموال اعضاء موجب بوجود آمدن شرکت مدنی و فقهی می شود [2].

- در قدم دوم با خصوص تصمیم و توافق اعضاء و یا به انضمام تأیید رکن قانونی (اختلاف نظر وجود دارد) شخصیت حقوقی مستقلی برای شرکت تعاونی شکل خواهد گرفت که موضوع حقوق و تکالیف قرار می گیرد.

- در قدم سوم مجموع اموال از ملك اعضاء خارج شده و به ملك شخصیت حقوقی شرکت در می آید (با عقد هبة) و بالتبع قدرت بر تصمیم گیری و فعالیت و... نسبت به آن را خواهد داشت در حالی که اعضاء مالك آن شخصیت حقوقی و وارث اموال و دارایی آن می باشند.

بدیهی است که بنابر این تحلیل فقهی، دیون شرکت علی القاعده متوجه شخصیت حقوقی او می باشد و اعضاء پس از انحلال شرکت و موت شخصیت حقوقی، بیشتر از سرمایه ی خود مسئولیتی نخواهند داشت (همچنان که مولی ضامن جنایت عبد بیش از ارزش آن عبد نمی باشد) اگرچه ازدیاد دیون شرکت نسبت به دارایی آن عملاً با وجود بازرسان و بیش بینی ها قانونی عموماً محقق نمی شود؛ اما انحصار مسئولیت اعضاء به مبلغ اسمی سهم (نه ارزش بازاری) و ایضا اختصاص استیفاء دیون شرکت (پس از انحلال) از دارایی آن نه مطلق اموال اعضاء محلّ تأمل است [3].

---

[1] بنابر اجیر بودن هیأت مدیره و مدیر عامل، اشتراط تحمل خسارت خالی از اشکال نخواهد بود زیرا اجیر اساساً از منافع عملیات خود بهرمنند نیست تا تحمل خسارت بازاء آن عقلائی و عرفی باشد (من له الغنم فعلیه الغرم).

[2]أقول : در صورتی که ایجاد شخصیت حقوقی را منوط به تأیید قانونی ندانیم، اعضاء می توانند از ابتدا شخصیت حقوقی شرکت را خلق و اموال خویش را بدان هبة نمایند که بنابر این فرض هیچ شرکت مدنی و فقهی نیز تشکیل نخواهد شد.

[3]أقول : اگرچه بعضی از فقهاء مانند مرحوم سید یزدی اشتراط ضمان به مال معین را صحیح دانستند اما وجه تامل تعدی از خصوص ضمانت به مطلق دیون و بدهی است.